

بازنگری در فقه شیعی مروری بر کتاب

8:34 PM Saturday, July 01, 2023



فصل نامه علمی معرفت شیعه ۲۴
سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۴۰۰

| ۱۲۵ |

بازنگری در فقه شیعی مروری بر کتاب

Shi'ism revisited: ijihad and
reformation in contemporary times

کامران محمدحسینی^۱

چکیده

کتاب «تشیع بازنگری شده» نوشته لیاقت تکیم را می‌توان مقدمه‌ای به زبان انگلیسی در شناخت جریان‌های اصلاح‌گرای دینی در حوزه فقه شیعی، به خصوص در قلمرو فرهنگی ایران دانست. تکیم که با فضای فکری و فرهنگی ایران کاملاً آشناست، در این کتاب خواستار سازگاری فقه معاصر و به‌طور خاص فقه شیعی با مقتضیات اخلاقی زندگی امروز است. نویسنده معتقد است که فقهای شیعی از تقدم اخلاق بر فقه غافل شدند و نتیجه‌اش صدور یا حفظ احکامی است که در فهم اخلاقی مردمان روزگار معاصر، اخلاقی نیستند.

این کتاب شامل پنج فصل است که در فصل اول، تفاوت بین شریعت و فقه را تعریف کرده و کاربرد نظریات هرمنوتیکی در اصلاح دینی را بیان نموده و نظریات متفکران شیعی در این زمینه را شرح داده است. تکیم در فصل دوم و سوم کتاب درباره ابزارها و روش‌های موجود در اجتهاد شیعی که می‌توانند در جریان اصلاح دینی به‌کار گرفته شوند، سخن می‌گوید. در فصل چهارم به این پرسش که جایگاه عقل و اخلاق در فقه اسلامی کجاست، پاسخ می‌دهد و در فصل پایانی مسئله «اجتهاد نو» را مطرح می‌کند و به توصیف آن می‌پردازد.

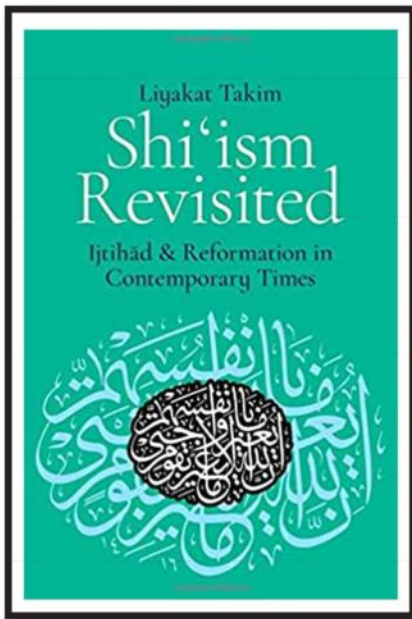
کلیدواژه‌ها: تشیع بازنگری شده، لیاقت تکیم، جریان‌های اصلاح‌گرای دینی، فقه شیعی

۱. پژوهشگر مطالعات تاریخ اسلام و دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه تهران.

k.mohammadhoseini@gmail.com



کتاب «تشیع بازنگری شده» نوشته لیاقت تکیم^۱ (متولد ۱۹۵۷) را می‌توان مقدمه‌ای به زبان انگلیسی در شناخت جریان‌های اصلاح‌گرای^۲ دینی در عرصه فقه شیعی، به خصوص در قلمرو فرهنگی ایران دانست.



تکیم از شیعیان خوجه و متولد زنگبار در تانزانیا است. مدرک دکترای تاریخ ادیان را در لندن اخذ کرد و استاد دانشگاه مک‌مسترکانادا می‌باشد. او در بخشی از تحقیقات خود در سال‌های اخیر به موضوع اجتهاد شیعی پرداخته و مقالاتی را درباره جایگاه اجتهاد در دنیای مدرن و نقش عرف در شکل‌گیری فقه شیعی نگاشته است.^۳ کتاب مورد بحث در این نوشتار، نخستین کتاب تکیم در همین زمینه است که در سال جاری میلادی (۲۰۲۲) توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد در ۲۵۹ صفحه منتشر شده است.

لیاقت تکیم از آنجاکه با فضای فکری و

فرهنگی ایران آشنا بوده و از جدیدترین آثار پدیدآمده در عرصه روشنفکری دینی در زبان فارسی باخبر است، ایده اصلی کتاب را در مدت حضورش در شهر قم و از دیدارهایش در این شهر به دست آورده است.

ساختار این کتاب را اسامی و نظرات تعداد زیادی از فقها و مجتهدان نوگرا و پژوهشگران دینی تشکیل می‌دهد؛ هرچند که بر پایه معرفی اشخاص نیست. کم‌وبیش هرآنچه در کتاب مطرح شده، بازگویی نظرات پژوهشگران دینی نوگرای شیعی می‌باشد. در این بین، نویسنده بیش

1. Takim, Liyakat

2. reform

۳. ن. ک: <http://www.itakim.com>



از همه از دیدگاه‌های «ابوالقاسم فنایی» و نظریه تقدم اخلاق بر دین او تأثیر پذیرفته است. با این حال، کتاب نه در ساختار و نه در محتوا تنها کتاب در معرفی اصلاح‌اندیشان یا نقل و جمع‌بندی آرای آنان یا حتی جریان‌شناسی اصلاح در فقه معاصر شیعه نیست،



بلکه خود اثری است در دفاع از ضرورت اصلاح دینی به خصوص در عرصه فقه و شناخت امکان‌های پیش‌روی فقه شیعه برای تحولی عمیق در جهت سازگاری با جهان نو.

سازگاری فقه معاصر و به‌طور خاص فقه شیعی با مقتضیات اخلاقی زندگی امروز، کانون خواست اصلاح‌گرا نه نویسنده است. تکمیل دل‌مشغول تعارض برخی احکام فقهی

با فهم اخلاقی روزگار می‌باشد. تعارضاتی که در عرصه‌های حقوقی گوناگون از جمله حقوق اقلیت‌ها، زنان، محیط‌زیست و شیوه حکمرانی نمود خارجی می‌یابد. از آن میان، حقوق زنان اهمیت بیشتری برای او دارد و این را می‌توان از مثال‌های کتاب که بیشترشان درباره حقوق زنان و احکام فقهی مرتبط به ایشان است، دریافت. برای درک این سازگاری، نویسنده به‌طور مفصل از ظرفیت‌های باارزش اما ناکافی اجتهاد شیعی برای تغییر سخن گفته و از لزوم تغییرات بنیادین در سازوکار اجتهاد شیعی و ابزارها و لوازم این تغییر یاد کرده است.

مقصود نویسنده از اصلاح، فتوای‌های نوآورانه که تغییرات اندکی را ایجاد می‌کنند نیست، بلکه او چشم‌انتظار بازاندیشی و بازنگری در تئوری فقه اسلامی و ارائه مدلی فراگیر و اصلاحی است که بازاندیشی در پارامترهای بنیادین فعلی و یا اصول معرفت‌شناختی و شناخت‌شناختی فقه و اصول فقه را دربرگیرد و شیوه نوینی از اجتهاد که او از آن باعنوان «اجتهاد نو» یاد می‌کند، جایگزین روش‌های پیشین شود. اجتهادی که به هرمنوتیکی بودن فهم دینی و اجتهادی و در نتیجه به وابستگی این فهم به زمان و مکان باور دارد، متون مقدس و آثار فقهی گذشتگان را تاریخی می‌نگرد و زمینه اجتماعی صدور احکام را لحاظ می‌کند و مهم‌تر از همه اینکه به وابستگی فقه به اخلاق (تقدم اخلاق بر فقه) وفادار است؛ چیزی که به باور



نویسنده، در حوزه فقه شیعی از آن غفلت شده و نتیجه اش صدور یا حفظ احکامی است که در فهم اخلاقی مردمان روزگار معاصر، اخلاقی نیستند.

هرچند در طول زمان علمای شیعه فتواهای گوناگونی را در برهه های خاصی ارائه کرده و گاه فتوای پیشینیان را نقض نموده اند، اما هیچ یک در بازنگری احکام به قواعد اخلاقی توجه نکرده اند و تنها بر مرجعیت قرآن و روایات و قواعد خاص زمان و مکان تمرکز دارند و به همین دلیل، به تفاوت ها در احکام جزئی بسنده کرده اند. از این روست که نویسندگان ابزارهای کهن اجتهاد شیعی را برای سازگاری با پیچیدگی های دنیای امروز کافی نمی دانند؛ زیرا اجتهاد به شدت به نص محدود است. از همین جا مشخص می شود که تصویر نویسنده از اجتهاد بازنگری شده که شیعه آن را ارائه کرده، اجتهادی است که کمتر به نصوص دینی وابسته بوده و بیشتر بر عقل و اخلاق متکی است.

هرمنوتیک و فقه

یکی از ایده های اصلی که دیدگاه اصلاح گرانه نویسنده بر آن استوار است، تفاوت شریعت و فقه می باشد. شریعت، قواعد شرعی و دستورات اخلاقی است که در قرآن و سنت وجود دارد. مجموعه ای از حقایق تغییرناپذیر که روح اخلاقی وحی را تشکیل می دهند. در مقابل، فقه علمی است که اصول و دستورات شریعت را مطالعه می کند تا بتواند قوانین خاص را از متون مقدس استنباط کند. استنباط فقه را به زمان و مکان پیوند می زند و به همین خاطر است که شریعت بین مسلمانان یکی است، اما فقه آنان یکی نیست. از این رو، فقه به تصفیه، بازنگری و اصلاح نیاز دارد نه شریعت.

بی شک شریعت شامل حقایق جاودانی، مقدس و غیرقابل تغییر است و اراده الهی را در زمینه اخلاقی و قانونی منعکس می کند. اما فقه استخراج احکام قانونی از متن مقدس و در واقع ترجمه کردن منظر اخلاقی متن مقدس به قانون عملی است. بر این اساس، فقه باید منعکس کننده ارزش های اخلاقی متن مقدس باشد و این همان نکته ای است که در فقه اسلامی از آن غفلت شده است.

این تعریف از تفاوت شریعت و فقه، تأثیر پذیرفته از منظر هرمنوتیکی به فهم دینی است. کاربرد نظریات هرمنوتیکی در اصلاح دینی، موضوعی است که نویسنده به تفصیل بدان



پرداخته و نظریات متفکران معاصر شیعی را در این باب در بخشی از فصل نخست کتاب شرح داده است. اندیشمندان معتقد به دیدگاه‌های هرمنوتیکی بر این باورند که هر فهمی از متن دینی به پیش‌انگاشته‌هایی نیاز دارد. آنچه امروزه به عنوان فقه در دسترس است، در دوران تاریخی میانه اسلامی تدوین و صورت‌بندی شده است و فقهای آن زمان در شکل دادن به آن، به نیازهای زمانه خودشان نظر داشتند و با پیش‌انگاشته‌های خود به تفسیر متون پرداخته‌اند. از این رو، آنچه به عنوان سنت فقهی به ما رسیده، در حقیقت براساس فهمی از متون که در قرون میانه رایج بود شکل گرفته است. پس کاملاً طبیعی است که با تغییر زمان، تفسیرها از متون دینی نیز تغییر یابد و دلیلی برای پایبندی به فهم گذشتگان وجود ندارد. بر همین اساس است که نویسندگان یکی از ویژگی‌های اجتهاد نورا کنار گذاشتن پایبندی به اجماع یا پیروی از نظریه مشهور فقها می‌داند. مشهور بودن یک نظریه بین فقهای سلف نباید یک مجتهد را از ابراز رأی تازه بازدارد. براساس نظریه هرمنوتیکی، متن مقدس برای اینکه در همه دوران‌ها معتبر باشد باید دائماً در معرض تفسیرهای تازه قرار بگیرد.

ظرفیت‌های تاریخی اصلاح‌گری در اجتهاد شیعی

نویسنده هر چند اجتهاد سنتی را برای پاسخ به پرسش‌ها و نیازهای امروز ناکافی می‌داند، اما در فصل دوم و سوم کتاب به تفصیل درباره ابزارها و روش‌های موجود در اجتهاد شیعی سخن می‌گوید که می‌توانند در جریان اصلاح دینی به کار گرفته شوند.

لیاقت تکیم در فصل دوم به تاریخچه اجتهاد و شکل‌گیری و تطور علم اصول در حوزه فقه شیعی اشاره دارد. نتیجه این بررسی چنین است که هرچه تاریخ اجتهاد شیعه پیش رفت، از اصرار علما بر علم و یقین در شناخت احکام فقهی کاسته و شک و گمان بیشتر به رسمیت شناخته شد و حجیت یافت. این روند در تاریخ فقه شیعی مستمر بود؛ اما حجیت یافتن ظن مجتهد از دوران مکتب فقهی حله رسمیت یافت؛ یعنی زمانی که تئوری اجتهاد نزد شیعیان تکامل پیدا کرده بود. تئوری اجتهاد راه را برای به رسمیت شناختن فهم مجتهد در استخراج حکم دینی باز کرد تا از این رهگذر فهم مجتهد با زمان و مکان به خصوص در مواردی که نص صریحی برای احکام وجود نداشت، پیوند بخورد. به نظر نویسنده، این مسئله به معنای پذیرش آن بود که فقه تا حدودی ساختاری بشری دارد و تنها بازنمایی تقریبی قصد و نیت الوهی است و نه انعکاس مطابق واقع آن. با گذشتن از اعتراض اخباریان، حجیت دادن



به ظن فقیه رونیدی تکاملی در فقه شیعی داشت که توسط شیخ مرتضی انصاری به اوج خود رسید.

نویسنده در فصل سوم، به تفصیل ابزارها و مفاهیمی از اجتهاد سنتی شیعی را معرفی می‌کند که خود می‌توانند همچون ابزارهای تفسیری کارآمدی در جهت اصلاح فقه شیعی به کار برده شوند. این ابزارها در طول تاریخ تشیع به کار گرفته شده‌اند و مجتهدان نوگرای امروز نیز معمولاً بر آنها تکیه دارند. ابزارهایی که متن را برای هماهنگی با دنیای متغیر آماده می‌کنند و می‌توانند پویایی فقه اسلامی را حفظ نموده و جایگاه عقل را در اجتهاد ارتقا دهند. در این فصل مقاصد الشریعة، مصلحت، لاضرر و لاضرار، عرف و منطقة الفراق و جایگاه و کارکرد هریک از این مفاهیم در استنباط احکام فقهی و نقشی که ممکن است هر کدام در سازگار کردن فقه با نیازهای زمانه داشته باشند، با نمونه‌هایی از فقه قدیم و معاصر شیعی بررسی شده‌اند.

ضرورت اصلاح‌گری عقل‌گرا و اخلاق‌گرا

تکیم در فصل چهارم، هدف اصلی خود از نگارش کتاب را مطرح کرده و در پی پاسخ به این پرسش است که جایگاه عقل و اخلاق در فقه اسلامی کجاست؟ و بحث را با بیان تفاوت دیدگاه شیعه و اهل سنت از مبحث حسن و قبح عقلی و شرعی آغاز می‌کند. بیشتر اهل سنت که پیرو کلام اشعری‌اند، حسن و قبح را عقلی نمی‌دانند؛ در حالی که شیعیان - که نویسنده به تفصیل به عقاید متکلمان و فقهای برجسته آنان مانند شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و ابن ادریس پرداخته است - به عقلی بودن حسن و قبح اعتقاد دارند. بر اساس این دیدگاه، هنگامی که عقل درباره نیکی یا بدی یک فعل یقین حاصل کند، شریعت نیز با آن همراه است. بنابراین، بر اساس حسن و قبح عقلی (به ویژه در دیدگاه اصولی‌ها)، عقل می‌تواند به تنهایی حسن و قبح را تشخیص دهد و بین تشخیص عقل و حکم الهی ملازمه وجود دارد. خدا عقل محض و آفریننده عقل است؛ بنابراین، می‌توان گفت که چون خدا خود عقلانی‌ترین موجود است، ممکن نیست حکمی مغایر با عقل صادر کند. لذا حداقل در تئوری، وقتی ظاهر متون مخالف عقل باشد، عقل می‌تواند آن را نادیده بگیرد.

از ویژگی‌های قرآن کریم این است که قانون و اخلاق را درهم آمیخته بیان کرده است؛ به گونه‌ای



که قانون در واقع ظهور و نمود امر اخلاقی در موقعیت انضمامی است. اما اصول اخلاقی که می‌تواند در فقه اثرگذار باشد در علم اصول فقه کمتر مورد توجه و بحث قرار گرفته است. فقها جنبه اخلاقی قرآن را نادیده گرفته و در عوض آن را تنها همچون متنی برای استخراج احکام قانونی خوانده‌اند. فقهای مسلمان بیش از آنکه نگران به سرانجام رساندن خواست‌های اخلاقی و وحی الهی باشند، درگیر سازوکار استنباط احکام قانونی بوده‌اند. از همین جاست که موارد متعددی از تنش و تعارض بین احکامی که از متن استخراج شده و احکامی که از عقلانیت اخلاقی استنباط شده وجود دارد.

مثال‌هایی از مواردی که ممکن است حکم فقهی با اصول اخلاقی رایج در یک عصر متفاوت باشد، در کتاب مطرح شده است. از جمله به تفصیل درباره احکام ازدواج با کودک سخن گفته شده است. نویسنده عمل برخی از فقهای معاصر را یاد کرده که براساس متون دینی، به جواز این عمل رأی داده‌اند؛ ولی این فتوا را از رساله عملیه یا سایت خود حذف کرده‌اند. این وضعیت نتیجه نبود سازوکاری است که اخلاق را در فرآیند استنباط احکام فقهی داخل نماید.

نویسنده در این فصل نیز از ابزارهای تفسیری موجودی سخن گفته که می‌توانند در فقه پویا به کار بسته شوند. او بر این باور است که باید به روح اخلاقی قرآن توجه کرد و با توجه به زمان، مکان و عرف و در نظر گرفتن اهداف و مقاصد نهایی شریعت، تحولی در نظام استنباط احکام ایجاد کرد. متون قانونی نمی‌توانند همیشگی باشند، از این رو، باید در نظر داشت که جنبه قانونی قرآن نیز معطوف به جامعه‌ای خاص بوده است. با توجه به این نکته، اصلاح‌گران مسلمان باید به نوعی سنت را بازسازی کنند که با ارزش‌های عام انسانی تطبیق یابد.

اجتهاد نو

فصل پایانی کتاب طرح و توصیفی از پدیده اجتهاد نو است. اجتهاد نورویکردی است که ویژگی‌های آن پیش‌تر در دیدگاه‌های برخی علمای شیعه، پژوهشگران و نظریه‌پردازان صورت‌بندی شده است. هریک از این ویژگی‌ها در آرای برخی علما و پژوهشگران شیعه طرح و بسط یافته و نویسنده براساس همین نظریات، آنها را کنار هم گذاشته است.



اجتهاد نو، اجتهادی است که کمتر به متن وابسته است. نگاه تاریخی به متن مقدس، هرمنوتیک فهم متن مقدس و بازگشت به اخلاق از انواع تلاش‌هایی است که روشنفکران دینی و اصلاح‌گران در اجتهاد بدان‌ها تکیه کرده‌اند. تفسیر متن مقدس پایان‌ناپذیر می‌باشد و هیچ تفسیر کامل و تمامی از آن وجود ندارد. اجتهاد نورش‌هایی را بسط می‌دهد که براساس آن بتوان فقه را برپایه اهداف اصلی شریعت اسلامی مانند عدالت، برابری، آزادی و احترام به جایگاه رفیع انسان مورد بازنگری قرار داد.

اجتهاد نو پیشنهاد می‌دهد که فتاوی فقهای گذشته با در نظر گرفتن پیش‌فهم‌ها و مفروضات روش‌شناختی و معرفت‌شناختی و زمینه فرهنگی اجتماعی آنان مورد نظر قرار گیرد. بیرون رفتن از معرفت‌شناسی سنتی اصول فقه و استفاده از ابزارهایی مانند سیره عقلا، عرف و نقش زمان و مکان، نگاه کل‌گرایانه به متون دینی، کاربری نظریات تازه تفسیری، کنار گذاشتن احکامی که دیگر کاربردی ندارند، تلاش برای تغییر در متدولوژی و معرفت‌شناسی علم اصول فقه و مهم‌تر از همه گشودن پای اخلاق به روش‌شناسی اصول فقه از دیگر ویژگی‌های اجتهاد نو است.